

جامی اواره : کما

سر دبیر میرزا غلامحسین کسایی

نگارشات و مکاتیب باید

بنام ذیل باشد

زمن : جنگل

هفته دو نمره طبع شود

کمز بهت شامی

کنگره

۱۳۳۵

دوشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و کت

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

و بیشتر از جواز نه درج باشد

قیمت اشراک

بجاء دان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامی است

مدیر مسئول حسین کسایی

افسانه پر شور

هر آدم با وجدان و بغرض بعد از لحظه مرور با وضع دنیا فوراً تصدیق میکند که جنگ عالم سوز عالیله همانطور و همانقدر که در عدم چندین طغیون نفوس مجبول القدر (تیا تقریباً ۱۰ میلیون) بشر و چندین طیار و مللا و اسناد اعتبار دول و جمیع ماضی یک قسمت عمده مغربی تا کوشید همانطور بهمانقدر این جنگ بزرگ از طرفی یک پل مغلی در شاهرا تاریخ عالم بناگذاشت .

سرنوشت تقریباً تمام دنیا و دولی که شکل حکومتهای مختلفه بلکه متضاده اداره شوند در نتیجه این جنگ تغییر فر یافت و درین دشت گیتی غمگین چه دولتها که بکمره زندگانی سیاسی را بدرد و خواهند گفت و چه دولت که زندگانی را کلاً از سر خواهند گرفت .

ما در این میدان پر آشوب و موح که پر گیر و دار چه میوانیم داشته باشیم ؟ چه داریم ؟ چه خواهیم داشت ؟

پیچ شبهه در این نیت که آبادی در خرابی یک ملت بدست اداره کننده گان آملکت است و این همیسی است که اگر صاحب خانه یک مرد با غم و خرد دورا بدیشی باشد از داد کارکنانی که در تحت مراقبت او امر او هستند سرکار از مرد مجرب و کار آزموده باشند آنگاه قدر آباد و اگر لکس شده بکلی خراب و نابود میشود .

پیچ قسم پیچ قائم پیچ استدلال پیچ تینه این بود لازم نیت پیچ سریه پیچ تیشه پیچ تقلید پیچ الطاف ضرورت ندارد و این دعوی ما چون بهی است بخت امان نظر میتوان بصحت آن پی بود .

ما بقدره بکار خا های د ک روپ ، و « اذ ناره » آلفانی نه به « سکه ای » اریشی

دست ریس داریم نه بهتر بزرگتر تو چا و سخت تر در سخت تر صفو های زره پولاد را می توانیم با ریم دست است که گلوله یک توپ ۴۲ سانتیمتری بهترین قطعه فولادی و ساروجی را در هم می کنند در دست است ناز

گاه تربی و رازگروپ مثلاً از فاعله بن سواحل انگلیس و
ساحل شمال فرانسه است نه است و نه کارخانه نه
بگری داریم نه توپ و تفنگ مقداری مختلف ذخیره
دوره خانه

ازبیل ، طبرستان ، زینین ، کالک ،
سرتما ، قازان ، کتیبها ، گروازان ، سخت البحرها
پیشنها ، آردوبنها ، مین ، حیدرآرغنها ، دولها
باکها و غیره و غیره و غیره در ایران علی الحساب
صدها تا من ؛ و سیلینا سلبینا تا نیک

اسرائیلیک ؛ اتحاد های واقعی اتفاق های حقیقی
اقتصادی و فایده اجتماعی گانالهای زرخیز و با مای
جرت بگیر می زده ای سطح که حاجی نتر و آقا قار
تا ... هر چه از اولسولت عبور کند نیست .

بیلی از کما سبک و به کار نمی سهل است اما عمل
اثبات مشکل است ایرانی خودش میداند ندارد
مسایه میداند ما داریم ارواح مقدسه طلای با
شهادی مردان تر ز نهایی با هنر با بچه شاه میراث

گدا میداند اینها که خوبان بکم نفع و خود آرائی دارند
ماند داریم
این همان ایرانت که عمل تابش خورشید در زمان
و گنام شیران بود در همین ایران امثال سید جمال الدین

اسدآبادی پرنس حکم ، شیخ لدوله امیرالدوله
مرحوم ، میرالدوله ، وزیر دفتر (میرزا پیر آشتیانی)
طالب اف ، میرزا یوسفخان مستشارالدوله میرزا آقا
خان کرمان ، ملک المتکلمین ، سید جمال الدین ناطق
ستارخان سردر ملی ، حاجی میرزا براسیم وکیل درالشرایع

شیخ مسلم دای باروان بخورد و شجاع یک فطرت در
چندیال اخیر بوده اند .

این ایرانت که امروز فقط در مرکز وطن و پایتخت
امثال پرنس علاء السلطنه آقای مستوفی الممالک ،

آقای مشیرالدوله ، آقای مؤمن الملک آقای مستشار
الدوله آقای ذکاء الملک ، آقای حبیبی خان نواب
آقای سردار اسعد آقای احسان السلطنه ، آقای میرزا
آقای محسن السلطنه ، آقای مستاز الدوله ، آقای حکیم
آقای نصر الملک ، آقای صفاء الممالک ، آقای شهاب الدوله

آقای محمدرضا الملک و چندین نفر دیگر رجال محبوب ملت
و طرف اعتماد شاهانه جو انجمن یافت بودند که به عادت
مرتب ایران بوجود آنها افتخار دارد و چشم امید
ایرانیان به خدمات ویرانه و حکمانه آنهاست .

قدرت و سطوت ملی از راه دیانت و امانت کوفت
نعمه کفایت شیخ کاظم خراسانی ، و شیخ عبدالله
مازندرانی ، و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا فضل ، و
آقا سید عبدالبهمنی شهید ، و میرزای شیرازی شهر
برده که نام نمایان باشد در دفترها خوانان این
ثبت است .

و امروزه نفیم البدل و یادگار آن ستونهای دیانت که
کله ای مقدس ایشان بر بود دیانت نیرت امثال آقای
شیخ الشریعه ، آقا میرزا حسین باهنی ، آقا سید ابوالحسن

آقا سید علی (داماد مرحوم فاضل معانی) و آقا سید محمد
طباطبائی حاجی معروف ، و آقا سید محمد بهمنی نغم مختلف
مرحوم آقا سید عبدالله شهید بهمنی ، و حاجی آقا نورالله
اصغری (و آنها که صرف مجتهد ترویج شریعت و دین
اسلامند) امثال آقا سید محمد کاظم بزدی ، آقا میرزا محمد

ماتره) شیرازی ، آقای صدر اصفهانی است که مقام
اجتاج جبل المبین شرح و تشریح در کف آئین
آنهاست .

این همان ایرانت که در پیشه های او شهرهای شهر
مثل میزراخ کرمانی ، و عیاس آقاچه تبریزی و غیره
و غیره هفت در شب السلطان دکننده عهد الحمید به نام
دیر عصر جدید حاضر و ناظراند .

پشم و امید !!

بی در میان این امید ؛ و قبله چشم آنان یک پرده
آینه افتخار خیز خرم آور امثال سپهسالار محمدالدوله سهند
ناله (سر از منصور) در مانع داخل السلطان و کارن میزا
و شعاع اسطوخودوس در صوره الدوله ، و شیخ خزعل سردار ارض
و قوام الملک ، و صارم الدوله ، بلاغره تا کمال آن
میکرهای صاره شیخ الرئیس ، و متولی باشی آستانه
مقدسه رضوی بیافته اندکی از کرد و عود و طبعانی که بیرون
نامهای نامی مردان ایران تحصیل شده تزل میکند
آنوقت است که سیر کیم مراقبت زد و مرد و ده سرد
از دل پرورد باید کشد

پس ما چه میوانیم داشته باشیم خیلی در است
ما چه خواهیم داشت خیلی دور است باقی ماند ما داریم

بلی باید گفت ما چه داریم ؟

«چه داشته که من مات و گرفتار توام» چشم ایران در پاره
بلا آنکه بدون ملاحظه صفت و تربیت و زحمت
و جنیت طالب ترقی دنیا منند و نادوی حقوق و
حدود عالم نطق نظر آنهاست . خصوصاً اصلاح مغانه
و معایب باقیه و لاف مستقیم و غیر مستقیم وطن عزیز
بانه نطق متوجه است .

۱) سرپرستانت مشروطه ایران و پادشاه جوان بود
که بر طبق قوانین اساسی و جاری مملکت مراقب و نواب
باشند . چنانکه بقدر مقدر هستند

۲) دارالشورای کبری و پارلمان و وطن ناخبین ایالات
و ولایات کافی و ولایت باشند که اصل اصل اصلاحت
را در وطن از آنها درخواست دارد .

۳) هیت مصلحت کابینه و وزراء که زمام حاکم کشور و سر
و علت العمل میکنند و بدینجهت هر دولت وقت از آن
ناجیه است .

چیزیکه هست انباط مردمگانی تهیه تا نیاز اقتصاد
نیکیلات لازمه زراعت ، فلاح و نوایه اجتماعی
نظریات و ملاحظات سیاسی ، پیشها و های علمی
همه از روح یک فتن ناشی است .

در هر وقت که اشخاص فداکار و مردمان فعال
زیادتر وجود دارد چرخ ترقی و تمدن آن بان تندتر
براه افتاده و بجانب علو مراتب ظاهری و باطنی
سریع تر ره سپار میشود و هر وقتی که سهل انگاری
بی قید و لایالی و وقت گذران باشد زودتر از این
خویش بچاه بگفت و بدینجهت سرگون میگردد .

ایرانی هموطن عزیز

وقت را بایه غنیمت شمرد پادشاه با محبوب و صدیق
و ایران دوست است . کابینه وزرای اخیر ما چنانکه
از هر گوشه و کناری گوش میرسد طرف اطمینان
و اعتماد عامه ایرانیان اند و دولتهای مجاریه حاضر زمانه را
دولت آزاد و گراسی روس با صدهای رسا و مؤثر
بامه طور مساعدت را داده داده و چنانکه بی منم از
همه طور اقدامات خصمانه رژیم سابق مستبدانه روئیده

عطف خان کرده خوشبختی بهر قسم برای و بدل محبت شروع نمودند مقتضی موجود مانع مقهورات ایرانی میگردم سیاه نمایی از اقلی ایران نزدیک است بکلی مرتفع شود بنیم صبح صادق روح افزای امید بخوابگاه ما وزیدن کند بیایم بکبد و کبکب کله اغراض شخصی مقصود با ما بود ما از لوح دل پاک کنیم بر غیریم قطران مقبره ای غم انگیز شهدا و ارواح سعیده طیبه رفقا را از خود خوشتر کنیم کسبیم فقیهین و دکلاسی دارالتورای کبری علی را حتی المقصد از اسخاص این و صدیق از خود گذشته بی طبع اشخاص کنیم نقی زاده و امثال او از پرورش یافتگان این آب و خاک اند که پادمان ایران بوجود امثال آنها افتخار دارد و بعد الملک ادب السلطنه گیلانی و میرزا محمد علیخان کلرپ و آقا سید محمد رضا (مسادات) و سایر بزرگواران معروف مشهور و غیره و غیره و غیره در همین آب و خاک تربیت یافته اند که باوجود اتران آنها مباحات میوریم نفوذ بی محترم است ولی نفوذ شخصی و ثروت و متول آنهم از مال رهنمای بوده اسباب تقدیرس فانیین نمیشود

چین . کمان

اخبار خارجه

نقل از روزنامه شریفه مساوات منبسطه رشت شماره ۷
کنسره قشونی قفقاز در خصوص ایران بعد از اینکه راپورت های اشخاص بصیر دیانات مطلقین را استماع نمود نصیحت ذیل را پیش نهاد محبت خود ساخته که بوقوع برسانند .
۱۱ کنسره قشونی قفقاز میداند که حکومت قدیم یعنی قبل از روسیون بواسطه مامورین خود دائما در عهد بود که ملت خود و ملل مجاور را بحالت عبودیت و بندگی

در آورده و جدا مانع شرف خالات آزادی و خفت حریت آنها باشد و مقصود عمده اش پیش بردن پلنگ نهدی و شکار و نسبت بسخوف دیگران بود و این پلنگ در میان ایرانیان خمنف تولید میجان مغز افزین نیست بروس را میبورد و عظمت دولتی روس را میبکانت
۲۱ قشون قفقاز بواسطه ناپسندگان گنزه خود اعلام میکند که قشون روسیون روس بواسطه آزادی که تحصیل نموده خیسلی مباحات میورند که اکنون مشول است اساس دولتی خویش را از روی اصول و موکر اسی بگذارد و با القاطع طریق پلنگ قدیم را لغو نموده و کاتما مقصد پلنگ شکار گاران را بهر قسم و هر جا که تواند متار که نماید .

۲۲ قشون قفقاز حق اداره کردن بر طبق امور خود را بدست خود و عدم مداخله در امورات داخله آنها را محترم میدانند و بجهت ممانعت و جلوگیری برای تسکینات جدیده ایرانیان در ایران شروع نموده بلکه بطور صمیمانه مایل است که مامورین حکومت قدیم را که سبب بیجان ایرانیان نسبت بسخوفت روس ما بودند از مسانه بر دارد و اما اینکه در آینده هیچ گونه موانع و مخدوم برای حسن ارتباط صمیمانه میان ما و موکر اسی ایران در روس نباشد .

۲۳ کنسره آمواد ذیل را بحجت حسن ارتباط ایران در روس و حق مجاورت طافین که بطور دلخواه می نماید خواستار است .

اول - بمقتضای این نظامی ما که موافقا بواسطه ضرورت پلنگی در یک مملکت بیطرف دوست «ایران» داخل شده اند باینکه که بطور صریح بانی نسبت بر مردم

ایران رفتار ننموده در ضایت خاطر آنها را کاملاً در کمال
مستولی کسب کنند.

و قوم - خیلی لازم است که هر چه زود تربیت مطمین
و مفسر را که در بر بگارد و قزاق ایرانی مستخدمه تجرید
نظر نموده و اشخاصی را که با او ضاع حالیه قابلیت
ندارند از کار خارج نمود و کسیکه بواسطه بیادینگی
در مقابل دولسیون تحصیل کرده اند مشروطه آنکه متی
المقدور با خلاق و زبان ایرانی آشنا و بارشیم جبر
و بسته موافقت داشته باشد بجای آنها بر قرار گردند
سوم - تجرید نظر در تربیت مامورین سفارتی و قزاق
و غیره که بکومت ایران معرفی شده اند بشود و
دستور العمل ها بیکه تا کنون بایشان داده میشد تغییر
داده و اختیارات آنها محدود گردد و همچنین فوراً اطلا
فاصله مامورین بیکه بواسطه اعمال ارتجاعانه و تجاروتی
بر بر ضد مومکر اسی ایران نموده اند از کار خلع شوند.

چهارم - کنگره بجموع مشروطه خوانان ایران اعلام
میدارد و همینکه ملت روس از موانع حکومت قدیم
خلاصی حاصل کردند باب ارتباط حسنه صیمانه با
ایران مصحوح خواهد ساخت و همین طور هم نظر است
که روح مومکر اسی ایران این جنبت انگکاسی
بید کنند در خانه قوشون روسیه بطریق
بنخواه که ایرانی ما هم مانع گردند از طرف خواه خارج
بی مرام (اگراد و الوار سرد می) آله انانی بر ضد
قوشون روسیه که مفسر که موافق این بکلم
ضرورت پیشگی هستند گردد

نگار کنگره نژادی قزاق

چه قدر ممنون می شوم اگر نام مطمین خود را از بر بگارد

قزاق ایران بکلی بر میدارند و مستبد و منظم اداره قزاقان
را بصاحب منصبان ایرانی که مری خودشان هستند برگردان
مینمودند

مسادات

مطبوعات

از مگو خبر میدهند در لشکره فایده گان نند و
سربازهای روسیه (ره تل - وزیر) اظهار کرد
که دولت موقتی روسیه بوسیله وزیر خارجه پرودت
بر علیه اقدامات تجاوزکارانه انگلیس فزانه اظهار
برای حرکات غیر مشروطه فیکه در باره یونان نموده
اند (اطح قطنین پادشاه یونان) کرده این رفتار
یک نظر افنی مفسر خواهد شد که بر دولت فوق
شان و حاکی باشد.

از نظر گراد دوم ردین خبر میدهند که وزیر خارجه
روسیه یک (نوط) یادداشتی ب سفارت فرانسه دادند
که حرکات اشتراک جویانه قوشون روسیه در مقدونیه (بalkan)
برای تصرف بعضی شهرهای یونان و عزل قطنین برد
کرده و این اعتراض نه تنها برای شرکت جنبت در عزل
پادشاه یونان و تصرفات حاکی است بلکه برای
این است که چرا بدون مراجعه بمرکز خود روسیه
باین امر مجادلت در زید اند

اول رمضان

و من پستان ایران را یاد آور می شوم که دولت
جدید روسیه آزادی عمل و مالک صغیره را که اعلان
داده اند اول مرتبه است که قول خود را آشکارا
بفعل آورده و ایرانیان را اصلاح میزنند که برای
خود مانعی ندارد

ورد

جناب سید کورد کوف نماینده وزارت خارجه دولت آزاد در دسته دور و قبل وارد رشت شده پس از تفتيش معهوديکه دارند عازم طهران خواهند شد اميد داريم بک نتيجه جالب توجه که مطلوب و مقصود ما است براي ايران حاصل شود .

نظر نيميه ايم

بوجبه هر يک از منافع موثقه اجتماع کرده ايم نگاه نشوني قفقاز فلکرافا مواد ذيل را در باره ايران از حکومت موثقي استدر عا کرده اند

اول - تجديده نظر در تمام معاهدهاتيکه راجع ايران است که حقوق ديره سلطنتي را کوچک و محدود مي نمايد

دوم - تجديده نظر در تمام امتيازات بر ضد منافع رودخانه و تجرود حجت کش ايران گرفته شده

سوم - تجديده نظر باعمال بانک استواضي ايران بشود که امورات گذشته اش معلوم و طرز روش آينه اش آشکار گردد

کته قفقاز در حالت جمله تقسيم کرده امتيازاتيکه جانش قفقاز راجع باستواج آبهاي اطراف بادکوبه بچپاني انگليس (البيوت) داده است لغو نمايد
نقل از مساوات

اوتومات

يارب اين بزرگ و فزون چيست اين مکر و دخل کاي چنين رايج بود و در زوار باب اول دين محب باشد که زير نام انسانيت دست مرچه نيزنگ است و فزون است و خدا را چيست

عصر با عصر نوراني ملي خوانند و من غير تاريکي نيم نيم کبوه و دشت و شت خلف و عدالت و خلاف عهد و ابطال حقوق

گر حقوقي لازم الاجبه ابو دين الملل حن استعمال قول مردمي يعني مدفع حفظ استحکام عهد دولتي يعني حل

تصه ترک سلاح آنگاه تشيد و صلاح کنگره صلح و صفات نگاه آغاز جدول و حکم اين عصر تمدن گاز پس تولى کثير

روزگار بر برت را شدي نم ابدل حوزه اي اجتماعي چيست کانون خاد خدمه هاي ميلو پاسي چيست قانون قبل سخت نازيباد مکروسي و زشت و ناپسند

گرچه داري صورتی زيبا و چشمي کمن کاش اين چاره جنس آدمي را خود نبوز حشر بودي با بهايم هاي بودي و قتل

تا نبيد اين تمدن را غدا بديخواش تاني حبت اين توفيق را بلاني جان کنگل راه نازقن به از رايي که باشد ناصواب

علم ناخواندن به از علمي که باشد سبيل آف برين و جهان دين حش بر اين افضلي و عدل آه از اين جور و تعدي داد از اين مکر و خيل

اصل نامي علمي است اين با وساير مدع فضل هاي عهدي است اين با ساير لالاه خوان تعلبات را خون خواهد گي شد با حصر

رنج شخصيات را مردم کس شايه حاصل ميلو فان بزرگ و نکت سخنان و حق

رگ دستمال نصب العین میاید آنک

بهترین برکلامی هست مقل و دل

یک جمله سری - یادری درمی

میرزا داوود پلای خان خودروه پنج طویله پامی خردس
 دکتر توگت نسل (یعنی گنگ) و حاجی پاک باز، هر یک
 بنوبه خود وارد اطاق شدند منگ است سلام خوا
 که بتظیم مفصل لغافه شده لدی الورد و تقدیم نمود
 حضرت اشرف که با مرحوم صدر اعظمی رشتی بود یک
 دوره تکھیلات را بپایان رسانیده و در صلاک
 انسانی و اخلاقی بجزت میوان گفت خط بیان
 بخوبی میخواند و در آداب معاشرت حسن خلق
 اخلاقی را بپیران عالی خلق بزرگ معلم میخواند
 قلم او کرد بجز عادات اطلاق فالصه و محصل آن برک
 بدخت بجزی قانع نیست و در وی بای اوقات
 باشرت ترک را با چیز میبارد و تمام پس اندازی
 چند سال اداست طهران دوزدست

پنار شش برج زهر بار است ده منی
 اضلاع اطاق که بقطعه صدر اختصاص یافته مثل
 جبهه (رژول بنار) معروف با کوه دانه

و اینر بحدت ترار گرفته است

ملم علم عنی فهم لا یعقلون

نفسی از نفسی جردن میاید واردین با قدم
 های نرم قهقرا یا به پشت آهسته پس نشسته زین
 لب بهم گفتند (فتمه خوابیده به)

جسی محمدان هستند

للا شجران خاموش

بنیاد

هر کسی که بود حتی مسلم پس چراست
 هر چه بیزد است پیش روز خندان میندل
 زور بازوی تو انا نقص حق نادوان
 ناز شفت اکثریت خوردن خون اقل
 ناز یک تنی که کرد کند گوش هک
 نشوند هرگز نزدیک دولت خوب بول
 دعوی انسان پرستی و انگلی اذای نفع
 از غای حق شناسی و انگلیت بدین
 پروان دین همی را چرا از کور روح
 این چنین یک باره خاطر شده بنامش
 زنده بشد مرده از انفس آن همی
 هم شفا میافت گنگ و عجب و کور و کور
 یک اکنون پیشت گردان همی جان
 غیر خود کس را بنخوا بندگان مستقل
 هر کجا چشمی است بینا میکندش زرد کو
 بر جای پای است رور و انگلندش در دنگ
 با تجامی آنکه برینیم بر خود را شر
 یا شویم آماده وضع شام گل
 خود میجان هم در افتادیم و گوشه بخت
 گونی بنجا جنگ صفین است و در می
 تا کی باید خطاب اشرف و عنوان قدر
 تا کی جزئی تمام ارض و شان این
 مملکت در حال تنوع و آفریند تراجم
 پای ما در کنگه و اگر کم کند وی عقل
 اگر بودیم اندک پوشیده درین
 کی چنین در مانده بپوشیم جزین نسل

آن کیست

که در ماه پانصد و چهل تومان خرج میکند و صد هشتاد تومان حقوق بگیرد

آن کیست که تا آن حقوق شبی چهار پنجهوار منان قرار میکند آن کیست که با حقوق فوق یکدانه بر لیانت به پیروز

منان و مقداری سایر جواهرات و اشیاء نفیسه مال خریدار است آن کیست که با حقوق صد و هشتاد تومان اسب و در شبکه خریداری کرده آن کیست که با حقوق مرفوم بعد از ورود بر پشت به مدت فیللی هزار و هفت

پنجاه تومان عوض معشر طی خانه پدری خود را فروخته...

بطهران فرستاد؟

آن کیست که جمعی پنجاه کافر با اسم مراد به اجنگلی هاسر

خورد و از بعضی از آنها مثل محمد ابراهیم صراف فوسفات

صد تومان گرفت و علی اکبر پنجاه که بعد از حبس زن و

بچه‌های او باز کرده روز از صبح تا شام در حضور غیر مبای

رکش مشرف شده آخریک طفل او حضورش جان داد

و اعتنائی نکرد تا آنکه بمالش خانه محقر خود را هفتاد

پنجمان گروگدا در با فاقه می نمود و خلاصی گردید ...

آن کیست که برای سیستان با اعمال خود در شب شبیه چهار

شعبان بحکم الخائن خائف برای فرار حاضر شد و یکی

زهر کار این مانع گردید؟

که هرگاه برومی گناهانت ثابت و چوب و سوسر طلا خوا

شد بهر این این است که بجهت پوشانیدن اعمال

و افعال شبیه شرم آورد و چنین زبان‌های بعضی

مبلغی پول به فلان و فلان او کابدهیم و بعد برای

محبوبیت دنیا له نابیت چند نفر که نسبت اغنیار

کرده اند بگری که در حال است هم‌نماشا؟

آن کیست که بعد از اتمام محصلت فوق پس از دو سه روز سینه ... به حاجی ... پیغام داد که ما برای بسن دهان بعضی پول داده ام شما بایست هزار تومان حق بسن قدر بمابد هید و الا برای شما و تنکل میولسیم او نداد از هر نوشت

آن کیست که پانصد تومان برات برای میرزاهاشم خان مدیون دارد ... بطهران فرستاد که دو مژد دیگر در ساموریت خورد باقی باشد بزل گرفت و معزول گردید آن کیست که به فتح الدوله رئیس عدلیه نوشت همان

من کار فوراً درست میکنم لیکن قدری پول لازم است

هر کس از قاری بشن حل این معما نمود که بعد از حقوق

ماهی صد و هشتاد تومان اضافات از کی بوده

و اسم این خادم و وطن دوست ملت خواه چیست

در جراید مرفوم داشته از مدیون خریداری کتاب

سیاحت نامه حاجی بابا اصفهانی را بر سر یادگار

کشف معمای مشکل درسیافت خواهد فرمود

و هرگاه خود آقا نوزگی نموده اسم خود را با محل

اضافات که بعد از ورود بر پشت منجا و از از

بجست و د هزار تومان است مرفوم دارند نام

دوره سیاحت نامه حاجی بابا که سه جلد است

با سر نازشست جانوه خواهد گرفت

جنگل

جملات فوق بعنوان آن کیست با اداره روز

نامه جنگل رسیده هر که آن شخص را پیدا کند علاوه

بر کتاب سیاحت نامه حاجی بابا یک جلد هر کتاب نامه

یرانی از دفتر روزنامه جنگل دریافت خواهد کرد

هر که خرگوب دراپید کند!!!